

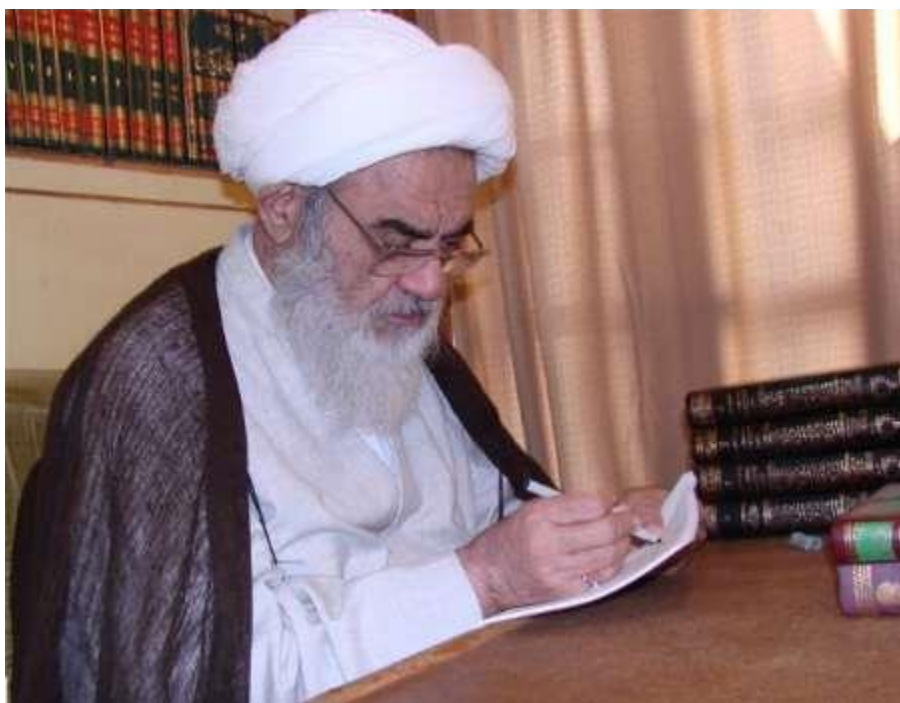
# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات

حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

## جلسه چهارم - بخل



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ وَ  
السَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ  
بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ  
وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ  
سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ  
لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

خدا را قسم می‌دهم به حق آقا امام زمان، توفیق عبادت و بندگی و ترک معصیت، همیشه و مخصوصاً در ماه مبارک رمضان به همه ما عنایت کند. اظهار ارادت کنید خدمت قطب عالم امکان و محور عالم وجود و واسطه بین غیب و شهود، یعنی حضرت ولی عصر «ارواح‌افاده» با سه صلوات.

یکی از صفات رذیله که خیلی خطرناک هم هست، صفت بُخل است. اینکه انسان بتواند به دیگران کمک کند اما نکند. کمک علمی، کمک آبرویی، کمک قلم، کمک قدم و بالاخره کمک مالی. به قول قرآن شریف:

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ[۱]

هرچه دارد، مال باشد یا آبرو، قلم باشد یا قدم، زبان باشد یا فعالیت، باید هم برای خود بخواند و هم برای دیگران؛ و گرنه این آدم بخیل است و در روایات ما راجع به بخل و خطر بخل خیلی صحبت شده است. امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» می‌فرماید بالاترین خطر برای انسان اینست که بخیل باشد. امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» می‌فرماید شوم‌تر از همه صفات رذیله، بخل است که انسان را بدبخت می‌کند. امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه» می‌فرماید که بخل انسان را ذلیل و خوار می‌کند. امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه» می‌فرماید: بخل است که انسان ذلیل می‌شود و در میان جامعه بی‌شخصیت می‌شود (۲)

نظیر این روایات زیاد است، اما آنچه مهم‌تر است، قرآن است. قرآن گاهی می‌فرماید:

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۳)

کسانی که می‌توانند به دیگران کمک کنند و نکنند، عذاب دردناکی در پی دارند. بعد قرآن می‌فرماید در روز قیامت، اول به واسطه مالی که می‌توانسته کمک کند و نکرده است، او را پول داغ می‌کنند و بعد از آن به جهنم می‌رود. قرآن می‌فرماید:

«وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» [۴]

خیال نکنند کسانی که می‌توانند به دیگران کمک کنند و نمی‌کنند خیر برای دیگران است، بلکه شر برای دیگران است. بعد قرآن می‌فرماید در روز قیامت چیزهایی که می‌توانسته به دیگران بدهد و نداده است، طوق از آتش بر گردنش می‌شود و با این رسوایی به صف محشر می‌آید. نظیر این آیات و روایات فراوان است و این بخل که ما به آن «خساست» می‌گوییم، و می‌گوییم فلانی خسیس و بخیل است، یعنی می‌تواند به دیگران کمک کند و نمی‌کند. بخل از نظر روایات منقسم می‌شود به اقسامی:

اول: کسی در خمس و زکات و وجوه بریه بخیل است؛ یعنی چیزهایی که برایش واجب است، ندهد.

قسمت دوم اینکه می‌تواند به دیگران کمک کند، اما نکند.

قسمت سوم که مربوط به ما نیست، بخل در مقدم‌داشتن دیگران بر خود و ایشار و گذشت و فداکاری است.

امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه» شصت و سه سال عمر کرده است و در این عمر پربرکت خیلی به خلق خدا خدمت کرده است اما در حالی که در نهج البلاغه می‌فرماید من که امام شما هستم، در روز اکتفا کردم به دو قرص نان جو. شبانه روز خوراک امیرالمؤمنین دو قرص نان بوده است. به قول خودش درحالی که می‌توانستم بهترین غذاها را بخورم و بهترین لباس‌ها را بپوشم اما اکتفا کردم به دو لباس کهنه در سال؛ که این دو لباس مثل دو پیراهن بود.

بعد مولا امیرالمؤمنین «سلام الله علیه» می‌فرمایند نمی‌خواهم مثل من باشید اما به من کمک کنید به هر اندازه که می‌توانید. [۵] امیرالمؤمنین در حالی که بیش از سی مزرعه در راه خدا و برای تقویت اسلام وقف کرده است، در حالی که در آن پنج سال حکومت و حتی همیشه می‌توانسته بهترین غذاها را بخورد و بهترین پوشاک را بپوشد و بهترین خانه را داشته باشد اما خانه‌اش خیلی محقر بود. شب عروسی دیدند که مولا امیرالمؤمنین بقچه‌ای به دوش مبارکش

است. پرسیدند این چیست. گفتند شن است و می‌خواهم در اطاق بریزم که حصیری که عروس آورده روی آن بیندازم برای اینکه نرم باشد. وقتی پیغمبر اکرم آن جهیزیه کذایی را که هفده قلم بیشتر نبود اما ضروری بود، دیدند، گریه شوق کردند و گفتند خدایا مبارک کن این جهیزیه که غالبش از گِل است.[۶]

زندگی زهرای مرضیه تا آخر چنین بوده است. همه ائمه طاهرين این گذشت و فداکاری و ایثار را داشتند اما از ما نخواستند و مرد می‌خواهد که بتواند گذشت و ایثار و فداکاری داشته باشد، اما اگر بتواند کمک کند و نکند، ولو کم هم باشد، این نامرد است و از نظر روایات ما نامسلمان است. این از نظر قرآن شریف جهنمی است.

نباید اینها را سبک بشماریم. به قول پیغمبر اکرم که می‌فرمود به این قانون مواسات و برادری کم عمل می‌شود در حالی که اگر مسلمان است باید بخل نوزد و باید بداند که بخل خیلی خطرناک است. اگر آدم بخیل باشد، عاقبت به‌خیر نمی‌شود. باز در روایات ما این بخل را منقسم کردند به اقسامی:

بعضی‌ها بخیلند راجع به مردم، بعضی‌ها بخیلند راجع به خانواده، بعضی‌ها بخیلند راجع به خودشان.

کسانی که راجع به جامعه بخیلند اما در خانه ریخت و پاشی دارند، غلط است. کسانی که در جامعه مهمانی‌های بیخود و ریخت و پاش‌ها و سخاوتمندی‌ها دارند اما زن و بچه در مضیقه هستند، غلط است. کسانی هم که به خودشان سختگیری کنند و بخل‌ورزی کنند، غلط است. حال چه چیز خوب است؟ قرآن یاد می‌دهد:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (۷)

مؤمن آن است که میانه رو باشد در همه چیز و حد توسط را مراعات کند و من جمله در خرج و مخارج. اسراف و تبذیر نباشد اما زن و بچه هم نمی‌شود در مضیقه باشند. کسانی که زن و بچه را در مضیقه می‌گذارند اول دشمنشان همین زن و بچه هستند، هم در دنیا و هم در آخرت. در دنیا دلشان می‌خواهد این بمیرد تا مالش را قسمت کنند و از تنگدستی او نجات پیدا کنند. در آخرت هم شکایتش را به خدا می‌کنند که خدایا این می‌توانست ما را در رفاه بگذارد اما نگذاشت.

راجع به جامعه نیز باید چنین باشد. یعنی هرچه دارد هم برای خودش و هم برای دیگران باشد. این باید برای انسان حالت شود. باید به مرور زمان خساست را از بین ببرد. چه کنیم که این بخل را از بین ببریم؟ راهش همین است که باید به دیگران کمک کند. ولو سختش است اما باید خمس دهد. ولو برای او مشکل است اما باید به دیگران رسیدگی کند و به راستی در زندگی او رسیدگی به دیگران باشد. این سختی را تحمل کند.

بعضی اوقات تلقین هم بکند یعنی این دو آیه را که خواندم تلقین کند و بگوید قرآن می‌گوید اگر من بتوانم به دیگران کمک کنم و نکنم، در روز قیامت مال من طوقی از آتش به گردن من است و با این رسوایی به قیامت می‌روم. تلقین کند و بگوید قرآن می‌فرماید خیال نکن اگر بخل ورزیدی و اگر آدم بخیلی شدی برای خوب است بلکه خیلی برای بد است. آن آیه می‌فرماید بدان در روز قیامت رسوایی تو اینست که اول تو را پول‌داغ می‌کنند. قرآن می‌فرماید این پول‌ها را به بدنش می‌گذارند و می‌گویند بچش. این پول‌هایی است که جمع کردی و باید به دیگران می‌دادی و اما ندادی. نه تنها خمس و زکات بلکه باید این حالت انفاق و سخاوت در او زنده باشد. پس این آیه شریفه را مرتب بخواند و بعد بگوید من باید به آیه «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» عمل کنم. کسانی که

ندارند باید با دعا و راز و نیاز با خدا برای دیگران و برای تنگدستان و فقرا کاری کند و بگوید خدایا گره‌هایشان را باز کن و خوشحال شود از اینکه ببیند یا بشنود که گره‌ای باز شده است. اینها واجب و لازم است.

روایتی را مرحوم کلینی به سند صحیح نقل می‌کند. می‌فرماید این آدم‌های بخیل، اما نه بخل در مال بلکه بخل در اینکه می‌توانست گره باز کند اما نکند، بخیل فقط راجع به مال نیست، آن فرد اداری که می‌تواند گره باز کند و نکند، بخیل‌ترین مردم است. آن اداری که بتواند ارباب رجوع را خوشحال کند و نکند، بخیل است و بالاخره اداری که گره در کار بیندازد، به قول امام صادق «سلام‌الله‌علیه» بخیل اندر بخیل است. این روایتی که می‌خوانم مربوط به مال نیست بلکه مربوط به اینست که می‌توانست خدمتی به خلق خدا کند اما نکرد و می‌توانست گره‌ای باز کند اما نکرده است. او را به صف محشر می‌آورند.

از بس ترسیده، چشم‌ها به گودی فرو رفته است و غل و زنجیر شده است و در پیشانی او نوشته شده این مایوس از رحمت خداست و نمی‌شود به بهشت رود بلکه باید به جهنم رود. خدا او را رسوا می‌کند و می‌فرماید این کسی است که در دنیا می‌توانست خدمت به خلق خدا کند اما نکرد. می‌توانست گره باز کند اما نکرد. این خائن به من و خائن به رسول الله است. بعد امر می‌شود از طرف خدا که این را به رو به آتش جهنم بیندازند. [۸] ما سرسری از اینگونه روایات و آیات می‌گذریم، ولی عمده اینجاست که اگر کسی این خساست در روحش بدمد که آدم خسیسی باشد حال یا راجع به خانواده و یا راجع به خودشان. بعضی‌ها پول دارند اما خودشان مثل گداها زندگی می‌کنند و حال ندارند که به خودشان رسیدگی کنند. یا اینکه زن و بچه‌اش در مضیقه است و می‌توانند زن و بچه را در رفاه بگذارند اما نمی‌گذارند. این خطرناک است. ما باید مبارزه کنیم، همین‌طور که با دشمن مبارزه می‌کنیم و در جبهه با دشمن می‌جنگیم، در درون ما هم جنگ است، جنگ بین فطرت و عقل و وجدان اخلاقی. این سه پیامبر که همه برگشت به روح انسان است، می‌گوید سخاوتمند باش و تا می‌توانی به دیگران کمک کن. اما آن بخل می‌گوید تا می‌توانی جمع کن و استراحت کن. این جنگ در درون ما همیشه هست و ما باید در این جنگ پیروز شویم و الا خطر خیلی بالاسیت و بتوانم بگویم این صفات رذیله اینگونه است که اول ممکن است ریشه‌دار نباشد، اما اگر از آن متابعت کنیم، ریشه‌دار می‌شود. وقتی ریشه‌دار شد، ریشه کردن آن کار بسیار مشکلی است.

ثعلبه یکی از اصحاب خاص پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» است. پیغمبر اکرم روی او نظر دارد و در صف اول جماعت و از اصحاب خاص است. این شخص فقیر بود. مرتب به پیغمبر اکرم نق زد و پیغمبر اکرم به او گفتند صلاحیت نیست که مال‌دار شوی. اما باز نق می‌زد تا بالاخره به زور یک گوسفند از پیغمبر اکرم گرفت. پیغمبر اکرم به این گوسفند برکت داد. یک امتحان برای ثعلبه جلو آمد. کم کم گوسفند زیاد شد و چند سالی طول نکشید که این آقا گله دار شد. اما صفت بخلش او را بیچاره و بدبخت کرد. آیه زکات آمد که «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ» [۹]؛ یا رسول الله! اینها باید زکات مالشان را بدهند.

پیغمبر اکرم چند نفری را فرستاد که زکات مالت را بده. اما نتوانست بدهد. در حالی که به قول قرآن از کرم خدا و پیغمبر اکرم این گله را پیدا کرده بود و خودش هم می‌دانست که چند سالی طول نکشید که فضل و کرم پیغمبر اکرم او را متحول کرد، اما خدا نکند که آدم خسیس باشد. فکر کرد و دید نمی‌تواند زکات بدهد و گفت شما بروید و من خودم خدمت پیغمبر اکرم می‌آیم، اما نیامد. دوباره پیغمبر اکرم به دنبال او فرستاد که زکات را بده. اما باز هم نداد. دفعه سوم زیر پل اسلام زد و گفت من مسلمانم پس جزیه دادن یعنی چه. زکات هم یک جزیه است و من جزیه نمی‌دهم! بالاخره مرتد شد و حتی بعد هم که توبه کرد، توبه مرتد است و پیغمبر اکرم توبه او را

قبول نکرد. بعد هم از او زکات گرفته نشد تا اینکه مرد و اگر در زمان عثمان توانست زکاتش را بدهد، آن زکات نبود و بالاخره دینش را روی بخلش گذاشت. [۱۰] اگر فکر می‌کرد به واسطه فضل خدا گله دار شده و پروردگار عالم گفته زکات بده که چندین برابر به تو می‌دهم. کسانی که در جلسه هستند، اگر افرادی هستند که واقعا خمس می‌دهند، حتماً ورشکستگی ندارند و حتماً خسارت مالی در آن سال ندارند و خدا حتماً دو برابر به او عنایت می‌کند. ثعلبه این را می‌دانست اما خساست و بخل نگذاشت و به خاطر چند گوسفند مرتد شد و اسلام عزیزش را از دست داد و بهشت آن‌چنانی را از دست داد و بالاخره مصداق این آیه شد که «وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ يَتَّخِلُونَ بِمَا أَنَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

این آیه و برخی دیگر از آیات، شرح حال امثال ثعلبه است.

همینطور که در روایات دارد، اول راجع به خمس و زکات و کفارات و حقوق واجب تأکید شده و بعد هم اگر خمس می‌دهی باز رهایت نمی‌کنند، باید راجع به همه مردم به اندازه وسعت کمک کنی. کمک آبرویی، کمک قدم، کمک قلم و کمک گره گشادن از مردم و بالاخره به واسطه مال، دل دیگران را خوش کردن.

اگر خسیسی در جلسه هست، باید فکری کند و الا العیاذ بالله مثل ثعلبه می‌شود. من از همه خانم‌ها و آقایان یک تقاضا دارم که شاید این تقاضا را صد مرتبه به آقایان و خانم‌ها و مخصوصاً جوان‌ها گفته‌ام. می‌گویم آقایان و خانم‌ها گناه نکنید. گناه زندگی را تباه می‌کند، گناه زندگی را سیاه می‌کند و اگر گناه کردید فوراً جبران و تدارک و توبه کنید. نگذارید گناه عادت شود. اگر عادت شد مثل دروغ گفتن و تهمت زدن و غیبت کردن و شایعه پراکنی ماست که الان در میان همه ما موجود است. تقاضا دارم اگر گناه می‌کنید در سرزیری گناه واقع نشوید. اگر گناه می‌کنید و در سرزیری گناه واقعید، گناه را توجیه نکنید. آنگاه به طور ناخودآگاه یک دفعه امام زمان نظر غضب آلود و خدا یک نظر غضب آلود می‌کند و می‌گوید دیگر تو را نمی‌آمرزم. و وای به کسی که خدا بگوید تو را نمی‌آمرزم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۱. البقره، ۳: «و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند».

۲. [ر.ک: تصنیف غرر الحکم، ص ۲۹۳ و ۲۹۴.

۳. [التوبه، ۳۴: «و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابى دردناك خبر ده».

۴. [آل عمران، ۱۸۰: «و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود. میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

۵. [ر.ک نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۶. [كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۳۵۹.

۷. [الفرقان، ۶۷: «و کسانی‌اند که چون اتفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند».

۸. [الكافی، ج ۲، ص ۳۶۷.

۹- التوبه، ۱۰۳: «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاك و پاکیزه‌شان سازی».

[۱۰]. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۱ و ۸۲. منبع: سایت معظم له

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir>